

نگاهی به طراحی و اجرای چهارباغ در ایران عصر صفوی و هندوستان عصر مغول فاطمه کردی^۱

چکیده

باغ ایرانی پدیده‌ی فرهنگی، تاریخی و کالبدی در سرزمین ایران است که رابطه حکیمانه انسان و طبیعت خداوندی را به نمایش میگذارد. باغ در فرهنگ ایرانی در واقع محدوده‌ی محصور با تلفیقی از گیاه، آب و ساختمان در نظام معماری خاص بحساب می‌آید که محیطی مطلوب، ایمن و پر از آرامش را به مهمانانش هدیه میکند. در باغ ایرانی میتوان ارتباط معناداری بین تک‌تک اجزاء یافت که البته این مهم با شناسایی فرهنگ اصیل ایرانی امکان‌پذیر است. از دیدگاه معماری، در کنار حصار و عمارت، پلان چهارباغ از عناصر اصلی محسوب میشود که بعدها بعنوان یک سبک باغ ایرانی شناخته شد. زمانی که بابر، از نوادگان تیمور، به هند حمله کرده و آن را به تسخیر خود درآورد، سبک باغ‌سازی ایرانی را در آنجا پیاده کرد و به جرأت میتوان گفت، بیشتر باغهای ساخته شده در دوره مغول و در این قلمرو امپراتوری، به سبک چهارباغ ساخته شده‌اند. در این دوره، علاقه پادشاهان مغول به سبک باغ ایرانی، نقش اصلی در ورود سبک باغ ایرانی به هند را بازی کرده است و در کنار آن، پادشاهان صفوی و شرایط سیاسی ایران نیز به روند انتقال معماران، هنرمندان و صنعتگران به این کشور کمک اساسی کرده‌اند.

کلید واژگان: باغ؛ چهارباغ؛ صفوی؛ مغول؛ هندوستان

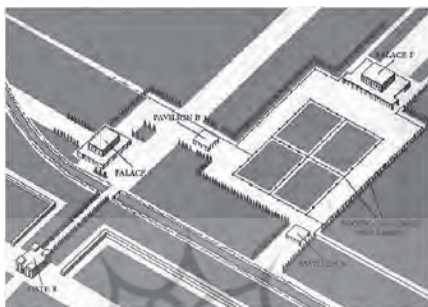
مقدمه

دوره صفوی از مهمترین دوران تاریخی ایران بشمار می‌آید؛ چرا که با گذشت نهصد سال پس از سلسله ساسانیان، یک فرمانروایی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار حکومت کند. این دوره، دورهٔ اوج تمدن اسلامی نیز بشمار میرود. در این دوره، روابط ایران و کشورهای اروپایی بدلیل دشمنی امپراتوری عثمانی با صفویان و نیز جریانهای بازرگانی، بویژه داد و ستد ابریشم از ایران، گسترش فراوانی پیدا کرد. ایران در دوره صفوی در زمینه مسائل نظامی، فقه شیعه، فرهنگ و هنر (معماری، خوشنویسی، موسیقی، نقاشی و ...) و ادبیات پارسی پیشرفت قابل توجهی داشت. سبک معماری صفوی بیشتر به کاخها، راه‌سازی و نقشه‌کشی شهرها و بناهای عمومی مانند کاروانسراها توجه داشته و افزون بر این معماران ایرانی، باغ و بستانها و آرایش درختان را نیز بکار گرفته تا شهر اصفهان را به شهری زیبا تبدیل کنند.

چنانکه در سفرنامهٔ ژان شاردن فرانسوی (۱۶۴۳ - ۱۷۱۳ م.) آمده است، او که در دوران طلایی اصفهان از این شهر دیدن کرد و از کاخهای زیبای سر به فلک کشیده، باغهای سبز و خرم و دارای حوضهای زیبا و بسیاری چیزهای دیگر که ایران از آنجهت ممتاز بود و شعر ایرانی آینهٔ تمام نمای آن است، سخت در شگفت شد. صفویان تنها به بنای کاخها، مانند کاخ چهل ستون و هشت بهشت آینه‌خانه، بسنده نکردند، بلکه به ساختن بازارها، کاروانسراها در شهرهای بزرگ و راههای اصلی نیز توجه داشتند (یاوری و باوفا، ۱۳۹۰: ۱۴۷-۱۴۸).

براساس گفته‌های نویسندهٔ کتاب مبانی طراحی سنتی در ایران، پیشینه باغ ایرانی به اوایل عهد مفرغ (۳۵۰۰ ق.م) باز میگردد که مردم اعتقاد به باغی آسمانی شبیه باغ عدن یا بهشت داشته‌اند (حضور، ۱۳۸۱). از زمانهای قدیم باغ، بخشی اساسی از زندگی ایران و معماری آن بوده و در موجودیت آتشکده‌های بزرگ و تقویت نمادیشان سهم داشته است. درست همانطور که پایهٔ کوه همراه با پوشش گیاهی است (که قدرتش در جلگه نمایان میشود) به همان ترتیب از زمان سومریان باغ، معبد و قصر سلطنتی را احاطه میکرد. مسلماً باغ در یک چنین اقلیم خشکی، لبریز از آسایش و زیبایی بود، ولی وقتی مبارزه بخاطر زنده ماندن بیش از لذت شخصی اهمیت داشت، این موضوع فرعی بود. از آنجا آنان که همه چیز را از مشیت خدایان میدانستند دعا به درگاه خدایان برایشان ضرورت داشت. تصور میشد مطمئنترین راه جلب توجه آنان، جادوی همدلی است؛ ایجاد فضایی هرچه شبیه‌تر به آنچه مورد نیاز است و تشویق خدایان به تقلید از آن در مقیاسی بسیار وسیعتر؛ مثلاً ایجاد باغی در کنار یک معبد یا کاخ ممکن بود قادر مطلق را به تکمیل

تلاش کوچک انسان در راه آبادانی زمین تشویق کند (پوپ، ۱۳۹۰: ۲۴۵). ایرانیان از دیرباز پیوندی عمیق و پایدار با طبیعت داشته‌اند و باغ ایرانی که معانی ژرف بسیاری عناصر از فرهنگ ایرانی در خود مجسم میکند، بیانگر این رابطه و پیوند است (شاهچراغی، ۱۳۸۹). به اعتقاد دیوید استروناخ، باستان‌شناس اسکاتلندی و متخصص ایران باستان و عراق، سابقه چهارباغ به دوره هخامنشیان بازمی‌گردد.



Layout of the Pasargadae palace complex.
Gate A is the entrance building to the complex.
Palace S, situated just across the river is the Apadana or Audience hall.
The Chahar-bagh gardens are flanked by pavilions A and B.
Palace P is thought to be the private royal residence.
Pasargadae Persian Garden - Stronach, David, the formation of Pasargadae Royal Garden and its impact on the Iranian gardens Journal of Arts and Architecture of "Asar"

آنچه از تاریخ و شواهد باستان‌شناسی برمی‌آید، در زمان کوروش بزرگ، باغ‌سازی رونق بسیاری داشته است و کاخها در میان مجموعه‌یی از باغها ساخته میشد. بعلاوه، در دوره او آبگذرها و حوضها از سنگ ساخته میشد و آبگذرهای سنگی باقی مانده در پاسارگاد، نشانی از وجود قطعی باغی در مجموعه این محل دارد.



تصویر ۲) آبگذرهای سنگی باغ مجموعه پاسارگاد

بر اساس اظهارات استروناخ، این باغ با الگوی چهارباغ ساخته شده و بعنوان اولین چهارباغ و از ماندگارترین ابتکارات دوره هخامنشی در عرصه باغ‌سازی شناخته میشود. قابل توجه است که کوروش بزرگ نخستین فردی است که مراسم جشن درختکاری را ایجاد کرد و دستور داد تا درختان در ردیفی منظم کاشته شوند (پرنا، ۱۳۸۷: ۷۷).

«لیزاندرا (سردار یونانی) از مشاهده زیبایی درختها، نظم و دقت فواصل آنها و مستقیم بودن ردیفها و زاویه‌ها و روایح معطر و متعددی که هنگام گردش به مشام آن دو (لیزاندرا و کوروش) میرسیده، تحسین و تمجید میکرد» (سکویل وست، ۱۳۳۶). به این ترتیب میتوان گفت که هندسی‌سازی باغ و ساختار فضایی آن در باغ ایرانی از باغ کوروش اقتباس شده است.

آثار و مدارکی یافته شده از کاوشهای باستان‌شناسی در تخت جمشید نشان میدهند احتمالاً این باغ جلوی صفا قرار داشته و سپس در دوره ساسانیان این سبک ساخت باغها در جلوی کاخها و معابد شکل گرفته و این موضوع در دوره اسلامی نیز ادامه پیدا کرده است و بطور کلی میتوان گفت الگوی تمام این باغها میتواند باغ پاسارگاد باشد.

در هر دوره‌یی اعتقادات حاکم بر هر جامعه در معماری منظر آن دوره تأثیر بسزایی میگذارد و ایران نیز از این امر مستثنا نبوده و باغ‌سازی و باغ‌آرایی در آن، در دوره‌های مختلف دچار تحولات خاصی شده و اعتقادات مذهبی و باورهای دینی بر آن تأثیرگذار بوده است. از زمان غلبه اعراب بر ایران که دوره اسلامی سرزمین ایران شکل گرفت، ساخت باغ در نظر مردم، نمونه‌یی از بهشت موعود شد؛ همانگونه که در قرآن، توصیف از بهشت بصورت باغی باشکوه با چشمه‌یی زلال و درختان سر به فلک کشیده و ... بیان میشود.

یکی از شاخصه‌های مهم باغ ایرانی نظم موجود در آن است. آغاز انتظام بخشی باغ ایرانی به دوره هخامنشیان باز میگردد. در باغ سلطنتی پاسارگاد (سده ششم قبل از میلاد) وجود هندسه منظم در باغ شاهی (اختصاصی) و در مقیاس کلان در باغهای پیرامون کاخها، تبدیل به الگویی شد که بعدها در دوره ساسانی و پس از اسلام به تکامل رسید. چهارباغ نیز از این مسئله مستثناء نیست. اوج طراحی و اجرای باغهای ایرانی بویژه چهارباغ را میتوان در دوره صفوی مشاهده کرد. بسیاری از محققان و دانشمندان این حوزه، باشکوهترین عصر باغ‌سازی را در ایران دوره صفوی میدانند. در این دوره باغها در گستره شهر بعنوان هنر شکل دهنده ساختار فیزیکی شهر بکار رفته و تمامی ساختار شهر را تحت تأثیر قرار میدادند.

شاخصه‌های اصلی چهارباغ

هنر باغ‌سازی مانند معماری، تابع عوامل و شرایط طبیعی هر محیط بوده که وجود آب و خاک بارور از جمله آنها می‌باشد. بدلیل اختلاف آب و هوایی مناطق مختلف ایران، بخصوص در مناطق گرمسیری، در طول تاریخ این سرزمین، باغ، اهمیت ویژه‌ی داشته است. باغ ایرانی از سه عنصر اصلی آب، گیاه و فضای معماری تشکیل شده است. مهمترین مسئله برای حیات بخشیدن به باغ، رساندن آب از راههای دوردست بداخل باغ بوده که سازندگان باغها از طریق حفر قنات این مسئله را حل مینمودند. آب بعنوان یکی از عناصر چهارگانه آفرینش، جایگاه ویژه‌ی در فرهنگ کهن ایران دارد (آنتیک، ۱۳۹۰: ۱) گزنفون در کتاب خود به توصیف پردیس در شهر ساتراپ‌نشین غرب ایران می‌پردازد که همان باغهای دوره هخامنشی بوده که «پردیس» خوانده میشدند. این مسئله رابطه ساختار باغ و شهر را در شهرهای طراحی شده زمان هخامنشی نشان میدهد و بنظر میرسد به همین علت بود که یونانیان، هخامنشیان را بزرگترین باغ‌سازان جهان میدانستند (میرفندرسکی، ۱۳۷۴: ۱۲۸).

در باغهای ایرانی میتوان تنوع نظم هندسی را مشاهده کرد که خود به انتظامهای محوری، مرکزی و چهاربخشی تقسیمبندی میشوند. از دید آنالیز معماری، باغ ایرانی دارای سه عنصر اساسی حصار، عمارت، پلان چهارباغ است که بعدها عامل سوم خود سبکی مهم از باغ ایرانی شمرده شد. از آنجهت که چهار باغ جزئی از سبک باغ ایرانی است، شاخصه‌های این سبک را به همراه داشته و علاوه بر آن مشخصه ویژه‌ی که بسیار مهم است، تقاطع عمود بر هم با طرح چلیپایی دو نهر آب محسوب میشود. این دو نهر میتواند شمال به جنوب و شرق به غرب یا در جهات فرعی نیز باشد که البته بیشتر در یک سوم پلان باغ اجرا میشود. در چهارباغ ایرانی کوشک و یا کاخ وجود دارد که اغلب بنایی برونگرا بوده تا بتواند بهترین دید و منظره را برای بیننده ایجاد سازد و لذت آرامش ناشی از دیدن مناظر درختان و گلها را برای تماشاگر فراهم سازد. قابل توجه است که وجود استخری در وسط تقاطع نهرها، جلوه و هدف خاص از مسیرهای آب را فراهم میسازد.

خسرو پرویز با پیروزیهایی که بدست آورد، توجه ویژه‌ی به منطقه غرب و بخصوص زاگرس نمود. او در تپه‌های غرب زاگرس باغهایی برای شیرین ساختن از آن جمله باغی در مقابل کاخ شیرین در شهر قصر شیرین و همچنین باغی در حوشکوری (حوشخانه) و در طاق بستان نزدیک کرمانشاه است. باغ حوشکوری یا حوشخانه دربرگیرنده حوضی با مسیرهای آب و کوشکهای زیبا بود. مدارک نشان میدهد که این باغها ساختاری چهارباغی داشته‌اند. بنظر میرسد این وضعیت در

بیستون دوره ساسانی هم تداوم یافته و آثار آن تا اواسط قرن نوزدهم باقی مانده که کست و فلاندن از آن گزارش و طرحی بدست داده‌اند و خود یک چهارباغ کامل است (زارعی، ۱۳۹۰: ۴۶). بنظر میرسد در شکل‌گیری باغ ایرانی موارد معنوی و عرفانی نقش مهمی داشته‌اند. در باغ ایرانی تمام حواس آدمی تحریک میشود. برای بهره گرفتن از مناظر زیبا، کوشک در باغ طراحی میشود و معمولاً در جایی بنا میگردد که بهترین دید و نظر از آن قابل رؤیت باشد. آوای پرندگان در کنار صدای آب که به طرق مختلف همچون پله پله کردن مسیر آن افزایش می‌یابد، حس شنوایی را ارضا میکند. نسیمی که در باغ میوزد و با گذر از فضای باغ خنک و دلپذیر میگردد، پاسخگوی حس لامسه است و این بوستان که مکان بو و عطری است، شامه آدمی را مینوازد و میوه‌های تازه و خوش آب و رنگ در باغ حس چشایی را تحریک میکنند. بر اساس تصور ذهنی ایرانیان از بهشت، دیوار باغ علاوه بر ایجاد محرومیت و حفظ امنیت، عنصری است که مانع ورود جهنمیان به باغ بهشت میشود. بر طبق باورهای زرتشت این دیوار باید هفت لایه باشد تا شیاطین به آن وارد نشوند (ابهریان، ۱۳۸۹: ۹۳).

الگوی باغ رسمی ایرانی چهارباغ که نمونه‌هایش را میتوان در قلمرو و حوزه نفوذ فرهنگ ایرانی از شرق تا هندوستان و از غرب تا اسپانیا دید، دارای مشخصه‌های مهمی است که عبارتند از:

ساخت باغ، عمدتاً در زمین شیب‌دار

استفاده از حصار پیرامون باغ با دیوار

تقسیم سطح باغ به چهار بخش مساوی

استفاده از خطوط راست در طراحی باغ

وجود یک بنا همچون کاخ، کوشک یا آرامگاه در مرکز یا بلندترین بخش باغ

استفاده از یک جوی آب اصلی دائمی

استفاده از شیب رودها برای ایجاد صدای آب

استفاده از سنگهای تراش خورده در کف نهرها برای نمایان شدن موج آب

وجود حوض یا استخر برای تأمین آب و زیبایی چشم‌انداز در مقابل عمارت باغ

استفاده از درختهای زیاد و سایه‌دار بویژه درختان میوه و وجود معبرهای باریک

استفاده از انواع گلهای زینتی و دارویی که بویژه گل سرخ

در نوع کاربری شکل باغ که معمولاً از طرح مربع یا مستطیل استفاده میشود و وجود چشم‌انداز

اصلی بشکل مستقیم و کشیده در محور طولی باغ، روبروی کوشک و استخر و همچنین کاشتن

درختان بلند در دو طرف آن، نقشی اساسی در ایجاد پرسپکتیوی دارد که باغ را طولانیتر جلوه‌گر می‌سازد. بطور کلی در الگوی چهارباغ حضور اشکال هندسی و بخصوص فرم مربع که براساس آن فاصله بین اجزاء باغ به سادگی و روشنی نشان داده میشود، از ویژگیهای مهم باغ ایرانی بوده است. الگوی سازماندهی طبیعت در باغ ایرانی نیز الگویی چهار بخشی است که از دو جوی متقاطع در مرکز آن تشکیل میشود و از کلیه نظامهای هندسی، کاشت، آب و همچنین کالبد باغ تبعیت میکند. قابل توجه است که نماد چهار عنصر تشکیل دهنده جهان (آب، باد، خاک و آتش) را میتوان در چهارباغ تصور کرد که منشأ پیدایش جهان هستند. در واقع باغ با تقسیمبندی چهارتایی خود، نمادی از جهانی کوچک است. علاوه بر آن میتوان باغ ایرانی را مجموعه‌یی از چهار محور اصلی، چهار نهر آب اصلی، چهار ردیف درختان سایه‌گستر اصلی و چهار مسیر اصلی در نظر گرفت که بطور کلی مفهوم چهارباغ را تشکیل میدهند. چهارباغها با توجه به عمارت و بنایی که دارند میتوانند در حیطه‌ی یکی از انواع باغهای سکونتگاهی، سکونتگاهی - حکومتی، حکومتی و باغ مزار باشند. در باغ سکونتگاهی بسیاری از اعیان و رجال، عمارت مسکونی خود را درون یک باغ می‌ساختند تا به این ترتیب شرایط مساعدی برای سکونت خودش فراهم آورده باشند. باغ سکونتگاهی - حکومتی نیز در شهرهای کوچکی که معمولاً تشکیلات و سازمانهای اداری و نظامی آن محدود و کوچک و یا فاقد ارگ حکومتی و فضاهای اداری بودند، ساخته میشد تا حاکم یا برخی از رجال مهم شهری در آن سکونت می‌گزینند که علاوه بر عمارت مسکونی آن، عمارتی نیز ساخته و در نظر گرفته میشد تا در آن به کارهای حکومتی و اداری پرداخته شود. باغ حکومتی نیز در پایتختها و بیشتر در شهرهای بزرگ و مهم کشور ساخته میشد تا در آن حاکم و بزرگان کشوری و لشگری در دیوان‌خانه آن به فعالیتهای حکومتی بپردازند. باغ-مزار نیز نوعی باغ است که غالباً تمام یا بخشی از عرصه آن به مزار اختصاص پیدا میکرد و باغ محیطی آرامش‌بخش را همچون فضای بهشتی برای روح متوفی فراهم می‌ساخت. البته این نوع چهارباغ جایگاه ویژه‌یی را در هندوستان عصر مغول برای خود باز کرد. تقارن یکی از اصول معماری سنتی ایرانی بشمار میرود که در تمامی بناها به اشکال مختلف از آن بهره گرفته میشود. چهارباغ ایرانی نیز از این اصل مستثناء نبوده و در ساخت آن از این اصل استفاده میشده است. کوشک معمولاً بعنوان اصلیت‌ترین بنای باغ بر روی محور تقارن باغ یعنی در محور اصلی و در مرکز یا بالای آن قرار میگرفت. اوج این تقارن را در محور اصلی باغ، جایی که حتی گله‌ها و درختان نیز قرینه کاشته میشوند، میتوان دید. در دوره صفوی باغهای بسیاری ساخته شدند که در این میان باغهای اصفهان

بویژه چهارباغ آن از شهرت جهانی برخوردار بوده است. چهارباغ اصفهان چهار تاکستان بوده که در مسیر یکی از خیابانهای اصلی شهر قرار گرفته و باعث شده تا نام خیابان از آن گرفته شود.



نقشه هوایی نقش جهان



نقش جهان اصفهان

چگونگی انتقال و اجرای باغ ایرانی در هندوستان

دوره اسلامی هند را سلاطین بزرگ مسلمان رقم زده‌اند که امپراتوری بزرگ مغول نیز یکی از آنها بشمار میرود. این امپراتوری به نامهای گورکانیان (تنها در ایران به این نام شهرت دارند)، بابریان (که از نام نخستین پادشاه و مؤسس این امپراتوری گرفته شده) یا تیموریان هند (بسبب انتسابشان به تیمور) یا مغولان هند (که از نوادگان مغولان هستند) شهرت پیدا کرده‌اند. این سلسله از سال ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ م. بر بخش بزرگی از شبه قاره هند که شامل کشورهای امروزی هند، پاکستان، بنگلادش و بخشهایی از افغانستان امروزی بوده، فرمانروایی کرده‌اند. البته فرمانروایان مغول هندوستان خود را هرگز به این نام که چیزی جز عربی شده و اثر انگلیسی کشور مغولستان نیست،

نمینامیدند. آنها از خاندان تیمور فاتح آسیای مرکزی بودند که بابر، بنیانگذار قلمرو، مستقیماً از او اصل و نسب دارد، در حالی که براساس برخی روایات از طرف مادری اصل و نسبش به چنگیزخان فرمانروای مغول میرسد (شیمل، ۱۳۸۶: ۱۱).

زبان رسمی دربار مغولان هند، فارسی بود و فرهنگ ایرانی نفوذ قابل توجهی در این دربار داشت و همین باعث گسترش زبان فارسی و فرهنگ ایرانی در شبه قاره هند شد. در آن دوره این رویکرد و همچنین اوضاع نابسامان سیاسی صفویان باعث هجرت بسیاری از هنرمندان، نویسندگان و شاعران از ایران به هند شد. دوران فرمانروایی مغولان هند با دوره فرمانروایی صفویه، افشاریه، زندیه و بخشی از دوه قاجار در ایران همزمان است که این خود بگونه‌ی ناخواسته یکی از عوامل مؤثر در نیرو گرفتن زبان پارسی در هند بشمار میرود؛ چرا که نوع نگاه پادشاهان صفوی به هنر، ادبیات و فرهنگ بگونه‌ی بود که شاعران، نویسندگان، معماران و هنرمندان ایران را از بخشش و نواخت این فروانروایان ناامید نموده و ناگزیر به مهاجرت به دربار ادب‌پرور مغولان هند کرده بود. اولین اقدام ظهیرالدین محمد بابر، مؤسس سلسله مغولان هند، پس از تصرف هندوستان، ساخت یک باغ بود؛ چنانکه در کتاب قلمرو خانان مغول آمده است: پس از آن بابر شخصاً اصلاحات سرزمین را فعالانه بعهدہ گرفت. در آگرا که نخستین مقر او بود، بلافاصله باغی ساخت و علاوه بر آن حوضی پله پله (Burton-Paget, 2008: 27) و یک حمام، حمامی به سبک اسلامی که در هند ناشناخته بود، به آن افزود (شیمل، ۱۳۸۶: ۲۲). بابر در هندوستان و خراسان آن زمان، راهها، کاروانسراها و باغهای بسیاری بوجود آورد و به عمران و آبادی این سرزمینها خدمت بسیار کرد. لازم به توضیح است که در این سرزمین باغ‌سازی سابقه‌ی دیرینه دارد، اما ساخت باغ به سبک ایرانی و چهارباغ به دوره مغول بازمیگردد که با باغهای هندی که تا آن زمان ساخته شده، بسیار متفاوت است. در این سرزمین چهارباغ با عنوان باغ^۱، باغ ایرانی^۲، چهارباغ^۳ و پارادایس گاردن^۴ برگرفته از پردیس بمعنای باغ بهشت، شهرت دارد.

بابر، باغهای زیبایی به سبک باغ ایرانی ساخت که باغ‌وفا، آرام‌باغ و زهرا باغ نمونه‌هایی از آنها هستند. در این دوره باغهایی که ساخته شد از معیارهای بهشت قرآن برخوردار بود و سازندگان

1. Bagh

2. Persian Garden

3. Chahar-bagh

4. Paradise Garden

آنها تلاش کردند که شاخصه‌های آن را به بهشت نزدیک سازند (Singh, 2008:46-48). از بین باغهای بابر در هند، بخشی از باغ صخره‌بی نیلوفر در دلیور جنوب آگرا باقی مانده است. بر اساس نقش‌بی از آگرا در قرن هیجده که اخیراً در موزه قصر جی پور کشف شده است، و روی آن به خط دیوان‌نگاری نوشته شده، از آن باغ با عنوان چهار باغ پادشاهی یاد شده است. این باغ در طرف دیگر رودخانه جمنا (یامانا) و مجاور مهتاب باغ و تقریباً مقابل تاج محل واقع شده است. این باغ در هند معرف طرح تیموری - ایرانی و باغ محصور است که بوسیله خیابان (معبر) و نهرهای آب به چهار بخش تقسیم شده است. بازماندگان و فرمانروایان مغول پس از بابر نیز راه او را ادامه دادند و باغهای بسیاری را به سبک چهارباغ در سرزمین هند احداث کردند.



میناتور چهارباغ از سال 1686 میلادی
Gardens of Delight Indian Gardens Through the Ages, Rahoul B Singh,
Lustre Press, Roli Books

مغولان در آغاز از معماری توسعه یافته تیموری و صفوی ایران استفاده کردند، اما در عین حال اجازه دادند که این معماری در روندی خلاق با سنتها و شرایط محلی ساختمان‌سازی ترکیب شود. روشهای اصلی طراحی در نخستین دوره، در زمان بابر و همایون از یکسو از ماوراءالنهر و خراسان بزرگ و از سوی دیگر از احیای سنت تزئین روی سنگ در دهلی تأثیر پذیرفت. تأثیر معماری تیموری - ماوراءالنهر در انواعی از بناهایی که توسط اعیان و نجبا و حوزه‌های دینی ساخته و نگهداری میشد، وسیعتر و بیشتر دیده میشود. بناهایی مانند باغهای سکونتگاهی و کاخهای کوچک، آرامگاههای دینی و غیردینی، حمامها، کاروانسراها و مسجدهای کوچک و

طرحهای بزرگ امپراتوری، قلعه - کاخهای حکومتی و مسجدهای جامع بزرگ نمونه‌های اصلی ترکیبهای معماری دورهٔ اکبر هستند (کخ، ۱۳۷۳: ۵۳).

بعد از دوره‌یی از تلفیق عناصر معماری در عصر اکبر، دوره‌یی از سلطنت جهانگیر فرارسید که مرحله‌یی انتقالی بود، با واکنشها و تجربه‌هایی که با وجود اهمیت آن برای توسعهٔ آتی معماری مغول هنوز به حد کافی مورد پذیرش قرار نگرفته بود. ایده‌های منتخب از دوره‌های پیشین بصورت اغراق شده اقتباس میشد و انعکاسی بی‌اهمیت داشت یا به نمونه‌هایی با تأثیر زیاد تبدیل شده بود. علاقهٔ زیاد جهانگیر، پسر اکبر، به فضای سبز، منجر به توسعهٔ کشمیر بعنوان اقامتگاه تابستانی دربار شد. یکی از نخستین طرحهای جهانگیر پس از به قدرت رسیدن او، طراحی باغی در پیرامون جلهام در ورنانگ بود. دیدار او در ۱۶۲۰ موجی از طرحهای باغسازی از جمله: باغ نوافزا در قلعه‌های پارت، اچبال، و باغ پایینتر بنام فرح‌بخش را در شالیمار پدید آورد. خصوصیات اصلی باغهای گورکانی در کشمیر، وجود چشمه‌یی است که آب آن در نهری، جمع میشد و این نهر محور اصلی باغ را شکل میداد. در این طرح عناصری مانند: محوطه‌هایی شیب‌دار برای تراس‌بندی، حوضها، کانالها (جوی) و کوشکها و صفه‌هایی در امتداد منابع و کانالهای آب وجود دارد. هنوز آثاری از قنات در هند وجود دارد که نوعی نظام آبیاری با کانالهایی در زیر زمین با الهام از آثار ایرانی را به نمایش میگذارد. این قناتها آب را از دامنه‌های نواحی ساتپورا به شهر و باغ خان میرسانند. این باغها که طرحهای هنرمندانه و فضایی درختکاری شده و در وسط آبگیر نیلوفری مصنوعی بزرگی دارند، به فضاهایی با جذابیت‌های زیاد در برهان‌پور تبدیل شدند. خان‌خانان نیز این باغها را به روی عموم باز کرد. بعضی باغها، طرح‌بندیهای متقارن با عناصر تزئینی تکرار شونده و دیوارهای محدودکنندهٔ بلند دارند و بقیه آزادانه‌تر در کنار یک چشمه یا نهری پر پیچ و خم، گیاهان کاشته شده و چشم‌اندازهای باز شکل گرفته‌اند. مکانها، فرمها، کاربریها و معانی مرتبط با باغهای مغول، بطور گسترده‌یی متفاوت است و بعضی از این تفاوتها میتواند بوسیلهٔ عوض شدن زمینهٔ مکانی آنها توضیح داده شود.

نقش گسترش یافتهٔ باغها بعنوان مکانهای آرامگاهی، که با مقبرهٔ همایون آغاز یافت، نشان میدهد چگونه مفهوم نمادین ارتقاء یافته بوسیلهٔ مفهوم عملکردی تزلزل‌ناپذیر در فعالیت روز به روز امپراتوری، دو چندان شده بود. باغهایی که زمانی به بابر برای تطبیق یافتن با سرزمینهای خارجی کمک کرده بود، نقشی ویژه در سرزمین رو به گسترش مغول پیدا کرد (Wescoat, 1997:187-202). او از لحاظ توجه به فرهنگ و هنر ایران، وضع ویژه‌یی نسبت به سایر پادشاهان مغول داشت.

همایون نامی ایرانی است و بنا به آثار تاریخی، مادر و همسر همایون، ایرانی بوده‌اند. پناهنده شدن همایون به دربار شاه طهماسب اول صفوی در ایران باعث شد تا بیشتر با هنر و فرهنگ ایران آشنا شود. او در مدتی که در ایران بود (پانزده سال) به بازدید از بناهای گوناگون ایران پرداخت و همین باعث شد تا با خصوصیات معماری سنتی ایرانی از جمله ساخت باغ ایرانی به سبک چهار باغ و نیز باغ مزار آشنا شود. باغ - مقبره عظیم همایون نشانه گسستی مهم در طراحی قدیم باغهای مغول هند است. این باغ در میان دیگر مسائل، آغازگر دور شدن از ساخت و ساز سرزمین فعالی بود که از اردوگاههای باغی نشأت گرفته بود. باغ - مقبره‌ها گاه اهمیت آیینی داشتند، اما شاید شکوه آنها کماکان جایگاهی مهم در ضمیر خودآگاه سلسله مغولان داشته است (جیمز ال، ۱۳۸۷: ۹۶-۹۷). این بنا در بخش میانی باغی مربع شکل قرار گرفته است. در این باغ نیز به شیوه‌ی شبیه چهارباغ ایرانی، فضاهای احدائی به نه بخش کوچکتر تقسیم شده است. باغی که پدید آمده، احتمالاً اشاره‌ی تلویحی به باغ بهشت است که در انتخاب شکل هشت بهشت دیده میشود (بلر و بلرم، ۱۳۹۰: ۶۹۹). بنظر میرسد که نخستین آرامگاه شکوهمند در این دوران بود که با طرح «هشت بهشت» در میان باغی با طرح چهارباغ در دهلی برپا شد (Naima, 1385).

نتیجه‌گیری

دو کشور ایران و هند در طول تاریخ خود دارای روابط بسیار نزدیک و دوستانه‌ی بودند که این موضوع ریشه در فرهنگ مشترک دو تمدن باستانی دارد. در طول تاریخ پر فراز و نشیب این دو کشور، صدها سند وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی روابط مردم این دو سرزمین با یکدیگر است. مورخین یونانی مانند هرودوت و گزنفون در کتاب تاریخ خود از وجود رابطه دوستانه ایران و هند در هزاره نخست قبل از میلاد خبر داده و ما در تخت جمشید، پایتخت حکومت هخامنشی در قرن پنجم قبل از میلاد شاهد حضور هیأت هدیه‌آوردگان هندی در دربار پادشاه هخامنشی هستیم. این دوران دقیقاً مقارن با ظهور نخستین چهارباغ در ایران است و در کتیبه‌های هخامنشی و متون مستند تاریخی باقی مانده از این دوران اشاره شده که هندوستان (بخشهایی از شمال و غرب هند از جمله جلگه رود سند) یکی از استانهای امپراتوری هخامنشی محسوب میشدند. در ادامه و در طول حکومت سلسله مائوری در هند و سلوکیان در ایران، این رابطه ادامه پیدا کرد و در زمان گوپتاها شاهد اوج گرفتن رابطه فرهنگی دوستانه‌ی بین ایران و هند هستیم. این رابطه به حدی بود که در این زمان سلسله‌ی به نام کوشانی در شمال شرق هند شکل گرفت که از خط و زبان پهلوی که خط و زبان رسمی سلسله

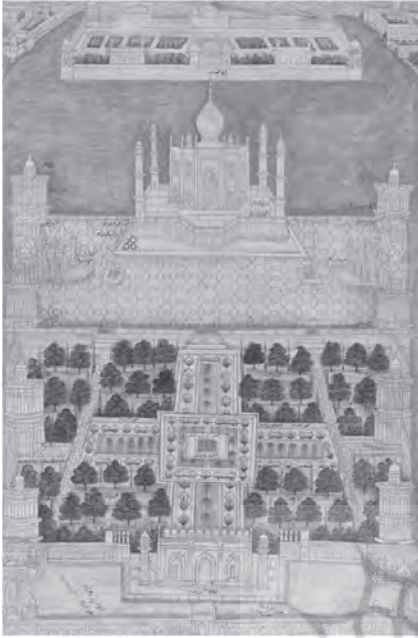
ساسانیان در ایران محسوب میشد، استفاده میکردند. در همین زمان نیز شاهد ترسیم نقش خسرو پادشاه ایران در یکی از دیواره‌های غار آجانتا هستیم. در دوره‌های بعد این روابط همچنان ادامه داشت و اوج این ارتباط فرهنگی در دوره مغولان هند که از نوادگان تیمور، پادشاه ایران بودند، در تاریخ دو کشور متجلی شد. در این زمان علاوه بر رواج فرهنگ ایرانی، خط فارسی نیز بعنوان خط رسمی هندوستان مطرح شد و تا زمان ورود استعمارگران انگلیسی به هند ادامه پیدا کرد.

پس از بررسیهایی که در زمینه ریشه‌شکل‌گیری باغ‌سازی مغولان، در رویکردهای تاریخی و معماری آن انجام پذیرفته و شکل‌گیری، گونه‌شناسی، عملکرد و نیز ساختار فضایی باغ ایرانی و اثر آن در باغ‌سازی مغولان مورد بررسی قرار گرفته، میتوان گفت بطور کلی باغ‌سازی ایرانی در دوره صفوی و دوره مغول هند در اصول کلی و عناصر مصنوع و طبیعی، پیرو یک قاعده هستند و تنها در جزئیات تفاوت‌هایی نسبت به یکدیگر دارند. البته این جزئیات خود از نظر زیباشناختی، از ویژگیهای قابل توجهی برخوردار است که هر کدام بنوعی آن را به نمایش میگذارند. در این دوران شاهد ساخته شدن دهها باغ در سراسر هندوستان هستیم که به سبک باغهای ایرانی ساخته شدند و مفاهیمی چون چهارباغ و هشت بهشت در آنها اجرا شده است. از مهمترین ویژگیهای باغ ایرانی که در این دوره میتوان دید، القای سنت چهارباغ است که در آن سطح باغ به چهار بخش به شکل مربع تقسیم شده و در بیشتر مواقع این مربعها خود به چهار قسمت تقسیم میشوند و عمارتی در آن قرار دارد. معمولاً این عمارت فرم و پلان هشت‌بخشی داشته که به هشت بهشت مشهور بوده است و مفهوم هشت در بهشت را یادآور میشود. این سنت باغ‌سازی ایرانی دقیقاً در باغهای هندی پیاده شده و میتوان گفت که ساختار کالبدی باغهای مغولی هند نیز اغلب همانند ساختار باغهای ایرانی دارای نظم هندسی در بخشهای اصلی و زیربخشهای آن است. در واقع چهارباغ در اکثر باغهای دوره مغول هند بعنوان الگویی از باغ‌سازی در این دوره بکار گرفته شده است. در برخی از نسخه‌های گیتاشناسی که جهان چهاربخشی را توصیف میکند، در مرکز، یک کوه وجود دارد؛ این جنبه در بسیاری از طرحهای باغهای پارسی و نیز باغهای مغولی هند تکرار شده است. این تپه کوچک با عمارت کلاه‌فرنگی آراسته شده بود و مزیتی از نظر چشم‌انداز به باغهای اطراف داشت (Pope, 1997).

در هر دو نوع باغهای ایران و هند در عصر مغول شاهد وجود یک استخر، برکه یا نهر در مرکز باغ هستیم که چهار شعبه به شکل چهار کانال در خط مستقیم از آن منشعب شده و باغ را به چهار بخش تقسیم میکند. در کنار این نهرها در هر دو سبک باغ‌سازی شاهد وجود پیاده‌روهایی با سطحی مرتفعتر نسبت به جویهای آب هستیم. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کرد، وجود

دیوارهای محصورکننده در اطراف باغهای ایرانی است که در واقع حس مکان خاص را در باغ ایجاد کرده و جهان پریهایوی بیرون را از دنیای دارای نظم درون جدا میسازد و همچنین بجهت درونگرا بودن سبک معماری، در اینگونه باغها رواج داشته که این مؤلفه نیز عیناً در باغهای هندی تکرار شده است.

معماران ایرانی در طراحی و ساخت باغ ایرانی نکاتی را در نظر داشتند که میتوان از آن بعنوان شاخصه‌های کلیدی باغ‌سازی در ایران یاد کرد. پیش از این در مورد ویژگی‌هایی مانند موقعیت بنا، نحوه تقسیم‌بندی فضای باغ توسط کانالهای آب و ساخت مجموعه در سطح شیب‌دار گفتیم، اما نکته بسیار مهمی که باید به آن اشاره کنیم، سنت استفاده از خطوط صاف و مستقیم در معماری و تقسیم‌بندی فضاهای باغ ایرانی است که در تمامی باغهای ایرانی شاهد آن هستیم و در ادامه مشاهده میکنیم که در معماری و فضا‌سازی باغهای هند نیز این قانون رعایت شده و فضا‌سازی باغها و معماری آن همگی تابع خطوطی صافی هستند که در پایان به بیننده دیدی ژئومتریکی میدهد. این موضوع در بررسی پلانهای باغهای ایران و هند در روزگار مغولان هند و صفوی در ایران بوضوح دیده میشود. باتوجه به تفاوت اقلیم دو کشور و اینکه هندوستان به نسبت ایران دارای آب و هوایی مرطوبتر بوده و میزان بارندگی و منابع آب در این کشور بمراتب بیشتر از ایران است، جزئیات هنر باغ‌سازی در این کشور دچار تغییراتی شد. اگرچه سنت باغ‌سازی ایرانی در هند مورد استفاده معماران هندی و ایرانی مهاجر به این سرزمین قرار گرفت، اما فرهنگ غنی هندوستان با پشتوانه تاریخ کهن خود توانست رنگ و بویی هندی به این سنت ببخشد و امروزه باغهای هندی اگرچه از الگوی باغ ایرانی و مفاهیم چهارباغ و هشت بهشت اقتباس کرده‌اند، اما این تقلید بصورت کورکورانه نبوده و ما میتوانیم رگه‌های غنی فرهنگ و هنر هندی را در سبک باغ‌سازی هند مشاهده کنیم. بطور کلی میتوان گفت سنت رسمی باغ‌سازی در هندوستان عصر مغول، همان چهارباغ ایرانی است و عمده باغهای ساخته شده در این دوران در سرزمین هندوستان دارای پلان مربع یا مستطیل هستند که به چهار قسمت متقارن تقسیم شده و دارای گردشگاهها و بخشهای مجزایی هستند. تقارن یکی از اصول معماری سنتی ایرانی است که از باغ‌سازی ایرانی وارد باغ‌سازی دوره مغول شده است. بر اساس سنت چهارباغ ایرانی، در این باغها نیز شاهد حضور ساختمان و عمارت مرکزی و استخر و جویهای منشعب از آن هستیم. درجه پختگی میراث معماری باغ ایرانی را در بهترین نمونه از الگوی چهارباغ، در بنای معروف تاج محل میتوان مشاهده کرد (کونل، ۱۳۶۸: ۲۱۵).



The painting of Taj Mahal Chahar agh, in Sackler Gallery, Smithsonian Institution's National Museums of Asian Art, in the United States.



Photo from: Koch, Ebba, The Complete Taj Mahal, Bookwise(India), New Delhi, 2006



منابع فارسی

- ابهریان، هما؛ «باغ ایرانی؛ سیری از کالبد به معنا، هنر و معماری»، جستارهای شهرسازی، شماره ۳۲، تابستان ۱۳۸۹.
- آنتیک، صدیقه؛ «مدیریت سنتی آب در باغ ایرانی»، همایش بین‌المللی دانش سنتی مدیریت منابع آب، ۱۳۹۰.
- بلر، شیدا؛ بلرم، جانانان؛ هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
- پرنا، مهدی؛ درک عمومی معماری منظر، تهران: انتشارات آزاده، ۱۳۸۷.
- پوپ، آرتور ایهام؛ معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: نشر دات، ۱۳۹۰.
- جیمز ال، وسکوت؛ «باغهای گورکانی هند و علوم جغرافیایی گذشته و حال»، ترجمه پویان شهیدی، گلستان هنر، شماره ۱۱، بهار ۱۳۸۷.
- حصوری، علی؛ مبانی طراحی سنتی در ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۱.
- زارعی، محمد ابراهیم؛ «بازتاب نقش چهارباغ در قالبهای باغی در غرب ایران با تأکید بر نمونه‌هایی از استان کردستان»، فصلنامه علمی- پژوهشی گلجام، انجمن علمی فرش ایران، شماره ۱۹، تابستان ۱۳۹۰.
- سکویل وست، ویتا؛ «باغ ایرانی»، ترجمه بهاء‌الدین بازارگاد، مجموعه مقالات میراث ایران، اثر آربری، ارج و سیزده تن از خاورشناسان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۶.
- شاهچراقی، آزاده؛ پارادایمهای پردیس: درآمدی بر بازشناسی و بازآفرینی باغ ایرانی، تهران: جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۹.
- شیمیل، آنه ماری، در قلمرو خانان مغول، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- کیخ، ابا؛ معماری هند در دوره گورکانیان، ترجمه حسین سلطان‌زاده، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۷۳.
- کونل، ارنست؛ هنر اسلامی، ترجمه هوشنگ طاهری، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۸.
- میرفندرسکی، محمدامین، «باغ به مثابه پیش‌آیند شهر»، مجموعه مقالات نخستین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی، جلد پنجم، ۱۳۷۴.
- یاور، حسین؛ باوفا، رقیه؛ اصفهان باغ آسمان تجلی حکمت هنر اسلامی در معماری عصر صفوی، تهران: انتشارات سیمای دانش، ۱۳۹۰.

منابع انگلیسی

- Burton-Paget, John, *Indian Islamic Architecture Forms and Typologies, Sites and Monuments*, Edited by George Michell Leiden Boston, 2008.
- Naima, Gholam Reza, *Gardens of Iran*, Tehran Payam Publishing, 1385.
- Pope, Arthur Upham, Acherman Phyllis, *A survey of Persian Art from Prehistor Times to Present*, Tehran, Sireush Press, 1997
- Singh, Rahoul.B. *Gardens of Delights Indian Gardens through the Ages*, Lustre Press, Roli Books, New Delhi, 2008.
- Wescoat, James L., Jr., "Mughal Gardens and Geographic Sciences, Then and Now," *In Gardens in the Time of the Great Muslim Empires: Theory and Design*, edited by Attilio Petruccioli, Leiden, New York: E.J. Brill, 1997.